

نقش سیاسی قزلباشان در عهد شیخ جنید و شیخ حیدر صفوی

محمد رضا طالاری^۱، هبت الله هاشمی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی آموزش تاریخ دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی خرم آباد

^۲ دکترای ریاضی و مدرس حوزه علمیه و دانشگاه

چکیده

شکل‌گیری حکومت صفویه در ایران با تفکرات و اقدامات شخصیت‌های صوفی تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در اندیشه‌های سیاسی و دینی داشته است. ترکان آناتولی طوایفی بودند که تحت تأثیر اندیشه‌های صوفی به ایران مهاجرت کردند. در ادامه توسط شیوخ صفوی به اندیشه‌های شیعی گرایش پیدا کرده و قزلباشان را به وجود آوردند. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش سیاسی قزلباشان در شکل‌گیری حکومت صفویه با تکیه بر عهد شیخ جنید و شیخ حیدر است. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی بوده و در جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد، فعالیت‌های سیاسی افرادی همچون شیخ جنید و شیخ حیدر در متحد کردن و دعوت اقوام ترک که از حکومت عثمانی رضایت نداشتند به شکل‌گیری هسته اصلی قزلباشان و نهضت صفوی انجامید. بنابراین، در نهایت توانستند به ارکان حکومتی راه پیدا کنند و نقش اساسی در حکومت صفویه داشته باشند.

کلیدواژه: صفویه، قزلباشان، طوایف، ترکان آناتولی

مقدمه

سقوط خلافت عباسی در ۶۵۶ ه.ق، روحیه تساهل مذهبی مغولان، گرویدن چند تن از حاکمان ایلخانی به مذهب تشیع و نیز تلاش‌های عالمان شیعی از عوامل رشد مذهب تشیع در ایران به شمار می‌روند. از جمله گروه‌هایی که در آن عصر به مذهب تشیع روی آوردند می‌توان ایلات و عشایر آذربایجان، آران و آسیای صغیر را نام برد. تهاجم مغول‌ها به ایران، در قوت یافتن پایگاه‌های معنوی و رشد تصوف نقش داشت، تا جایی که سبب شد صوفیان شیعی تحت تأثیر شرایط زمانی دچار دگرگونی‌های فکری شوند و باگرایش به اندیشه‌های غالبانه در صدد کسب قدرت سیاسی برآیند. طریقت صفوی را باید برجسته‌ترین عامل جنبش‌های صوفیانه و غالبانه در این دوران به شمار آورد. آنها، با استفاده از رابطه مرید و مرادی، تعامل با قدرت‌های حاکمه، واگذاری املاک وسیع از جانب دولت مردان به خانقاه‌ها و کمک‌های آنها، دریافت هدایا و وجوه نقدی از مریدان و نیز پیوند با عناصر ایرانی توانستند خود را با کمک نیروی نظامی متشکل از ایلات قزلباش در صحنه سیاسی مطرح سازند (اباذرپور، ۱۳۹۶: ۴۹). یکی از عوامل اصلی در روی کار آمدن صفویه، قزلباش‌ها بودند. ایشان که در استقرار قدرت صفوی نقش عمده‌ای ایفا نمودند. در حقیقت طوایف مختلف قزلباش، بیشتر در پی حمله مغول به ایران کوچانده شده بودند. با سقوط ایلخانان (۱۳۵ق.) و خلأ قدرت ناشی از آن، فضای مناسبی برای طوایف مختلف ترک در آناتولی حاصل شد. از جمله این که بسیاری از طوایف قزلباش با مهاجرت به سمت مرزهای شرقی آناتولی، یعنی غرب و شمال غرب ایران، مبادرت کردند. این طوایف در مدت زمانی اندک جذب تبلیغات طریقت صفوی شدند که علاوه بر آذربایجان تأثیر شگرفی در غرب آسیای صغیر، یعنی قلمرو عثمانی گذاشته بود. تا جایی که از جمله عوامل اصلی روی کار آمدن صفویان و به دست گرفتن قدرت توسط آنها گشتند. ترکان قزلباش که پیش از به قدرت رسیدن اسماعیل به صورت دسته‌های مجزا و در گمنامی به سر می‌بردند، پس از شکل‌گیری دولت صفوی، متحد و صاحب نام شدند. اصلی‌ترین نقش این طوایف قزلباش حمایت از خاندان صفوی قبل از شکل‌گیری دولت، خدمت و جانفشانی در رکاب شاهان صفوی بعد از رسیدن به قدرت بود (پورقیومی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲).

پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به سه سوال انجام گرفته است؛ نقش سیاسی قزلباشان عهد شیخ جنید و شیخ حیدر صفوی در تشکیل نهضت صفوی چگونه بوده است؟ آیا ترکان آناتولی در شکل‌گیری قزلباشان در این عصر جایگاهی داشته‌اند؟ آیا تاج قزلباش در عهد شیخ حیدر نقشی در امور سیاسی داشته است؟ در مورد نقش قزلباشان پژوهش‌هایی صورت گرفته است. به عنوان مثال: مقاله اباذرپور با عنوان «زندگی سیاسی قزلباش‌ها» انجام شده است، که یک دیدگاه کلی به نقش قزلباش‌ها از شیوخ صفوی تا شاه عباس اول دارد. یا مقاله ایی دیگر از پورقیومی و همکارانش با عنوان «قزلباشان و نقش آنها در تشکیل دولت صفوی» صورت گرفته که عملکرد قزلباشان در دوره شاه اسماعیل و شاه طهماسب را بررسی می‌کند. اما پژوهش حاضر با هدف تحلیل و بررسی نقش سیاسی قزلباشان در زمان شیخ جنید و شیخ حیدر صفوی صورت گرفته است.

مفهوم قزلباش

محمد بن الحسن دیلمی از علمای شیعه زیدیه که در آغاز قرن چهاردهم از نزدیک شاهد جریان فرقه باطنیه در یمن بوده است و کتابی مفصل در مورد باطنیه دارد چنین می‌نویسد: "به اینها باطنیه، محمره (سرخ جامگان) نیز گفته می‌شود" همچنین می‌نویسد: "آنها منسوب به مزدک که خود موسسه طریقت ثنویت یا دوآلیسم بود می‌باشند. و از این رو به آنها مزدکیه ابلاغ شده است. و در کنار آن به نام بابکیه معروف اند. زیرا، که منتسب به بابک خرمی شدند. که خود بابک، سالک همان طریقت بوده است و چون بابک و یارانش سرخ جامه بوده اند لذا به محمره اشتهاار یافتند". از سوی دیگر با تکیه بر

نظریه زبان آذری کسروی، خود واژه باش را می توان تکامل یافته «بواش» از فارسی میانه به معنی قله و بالای هر چیز دانست (دیلمی، ۱۹۳۸: ۲۵). قزلباش یا سرخ سر به طوایف مختلف ترک گفته می شود که سلطان حیدر صفوی در ترویج مذهب شیعه و تحصیل سلطنت به وجود آورد. این طوایف به سبب کلاه سرخی که به فرمان سلطان حیدر به سر می گذاشتند به قزلباش معروف شدند. قزل در ترکی به معنای سرخ و باش به معنای سر است. اگرچه گفته اند: که این اصطلاح را ترک‌های عثمانی از روی کنایه و توهین به یاران حیدر و اسماعیل می گفتند، و سپس ایرانیان بدان افتخار می کردند. اما واقعیت این است که قبل از آنکه عثمانی‌ها این عنوان را برای طرفداران حیدر به کار برند در میان خود ترکمانان این کلاه سرخ رنگ، سند افتخار و وحدت و پیروزی بود (اولناریوس^۱، ۱۳۷۹: ۶۳۴). به هر حال پیروان و مریدان حیدر به پیروی از فرمان مرشد و به تقلید از پیشوای خویش کلاهی سرخ رنگ که دوازده ترک داشتند بر سر نهاده اند. از آن پس این سرخ کلاهان به طایفه های مختلفی اطلاق گردید. که در راه صفوی شمشیر زدند، البته واژه قزلباش به حامیان غیرترکمان صفوی و از جمله ترکمان آسیای میانه ایرانیان و کردها نیز اطلاق گردیده است (فوران^۲، ۱۳۷۷: ۵۲).

نقش ترکان آناطولی در تشکیل قزلباش

گروه‌های مختلف ترکمن با شیخ جنید از طریق خانقاه اردبیل ارتباط پیدا کرده و در جریان آموزه‌های ارشادی و تبلیغی آنان قرار گرفتند. در این دوران نیروهای دیگری به نام قزلباشان که از مریدان شیوخ بودند ظهور کردند. نحوه ارتباط قزلباشان با شیخ قابل بررسی و تامل و تعمق بیشتری است: دو عامل زمینه ساز نزدیکی و تماس قزلباش ها با خانقاه‌ها شد. عامل نخست، شرایط اجتماعی و سیاسی آن زمان ایران بود، که زمینه حضور بیشتر گروه‌های مختلف را فراهم ساخت. از هم پاشیدگی اجتماعی، تجزیه سیاسی و پراکندگی کانون‌های قدرت، رکود اقتصادی و به هم ریختگی بنیان‌های مالی جامعه ایرانی را در وضع نابسامان و شرایط اسفباری قرار داده بود (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴: ۴۰۶-۳۹۴). عامل دوم این بود که: گروه‌های مختلف ترکمن که در بین آنها معدودی از سران اشرافیت ترکمن نیز وجود داشت گروه‌های سرگردان بودند که در جریان روی کار آمدن عثمانی‌ها و همچنین در پیدایش و حکومت‌های متعدد کوچکی که پس از حمله مغول در آناطولی پدید آمد پایگاه خود را از دست داده و ناچار بودند به دنبال فرصت و امکانات سیاسی و نظامی جدیدی برآیند. اساساً گرایش آنان به مناطق شرقی قلمرو عثمانی و غرب ایران را تا اندازه زیادی می توان در راستای پاسخگویی به اغراض سیاسی و نظامی آنان دانست. آنان رفته رفته به صورت نیروی اصلی شیوخ صفوی درآمدند و روز به روز به تعداد آنها افزوده شد (پیرزاده زاهدی، ۱۳۴۴: ۳۸). با این مقدمه باید گفت ترکان آناطولی نقش بسیار اساسی در تشکیل اتحادیه قزلباش داشتند این ها طی چند دهه به آذربایجان مهاجرت کرده و مهمتر آنکه در جریان سفر شیخ جنید به وی ارادت یافته و از این طریق با مکتب آشنا شده و بدان پیوسته بودند. در واقع عناصر تشکیل دهنده دولت صفوی از ترکان آناطولی بودند. این عناصر رقبای ترکان آق‌قویونلو بودند. که با اسم قزلباش و با معتقدات شیعی عناصر اولیه دولت صفوی را تشکیل دادند (صفت‌گل، ۱۳۸۸: ۷۳). مقارن همین ایام، تیمور در راه بازگشت از آناطولی با صدها اسیر، که بیشتر از روسای ایلات شاملو، قاجار، استاجلو، افشار، بیات، ذوالقدر و تکلو بودند به اردبیل رسیدند و همه این اسیران را به خواجه علی بخشید. همین اسیران که صوفیان روملو نامیده شدند، هسته اولیه قشون قزلباش را تشکیل دادند و به عنوان حق شناس در شمار اتباع و مریدان خواجه علی درآمدند و سپس در دوره شیخ حیدر، با دیگر مریدان، قزلباش را به وجود آوردند. در دوران شیخ جنید، مرکزیت توسعه یافت، این امر مقارن بی‌ثباتی سیاسی بعد از مرگ آخرین سلطان ایلخانی ابوسعید است. طریقت‌های صوفیانه با بهره‌گیری (چله) می نشستند و از مجالست با دیگران پرهیز

^۱. Olearius

^۲. Foran

می‌کردند. و چندان روزه نگاه می‌داشتند و به ریاضت‌های سخت تن در می‌دادند تا اینکه به مرحله بیخودی کامل می‌رسیدند (هینتس^۲، ۱۳۶۲: ۱۲). در دوران جنید طریقت صفوی به یک نهضت تمام عیار تبدیل شد و راه برای توسعه طلبی آنها بازگردید. از هم پاشیدگی امپراطوری تیموری پس از شاهرخ پیشرفت جنبش‌های دینی مانند مشعشعیان، فعالیت‌های جنید و کثرت مریدانش شایعه‌ای در خصوص برپایی دولت علویان در آخرالزمان به رهبری جنید و تأیید این پیشگویی از سوی منجمان از جمله عوامل نگران‌کننده جهان‌شاه قراقویونلو بود (کامل الشیبی، ۱۳۷۴: ۳۸۰-۳۷۹). علاوه بر این شیخ جنید برای تصاحب مقام شیخی خود با شیخ جعفر به مجادله برخاست ولی به علت عدم موفقیت و دشمنی جهان‌شاه مجبور به ترک اردبیلی گردید (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۲۷). جنید با استفاده از نفوذ معنوی در پیروانش و جهت تحقق اهداف سیاسی خود تحت تأثیر مشعشعیان شروع به تشکیل یک فرقه شیعه غالی کرد. اما اندیشه‌های غالبانه او مورد پذیرش پدرزنش قرار نگرفته اند و لذا جنید دختر وی را طلاق داد، آنگاه به آناتولی رفت. این پیشامد درآمد یک تحول بزرگ در عقیده شیخ جنید بود. در همین سفر بود که خشت اولیه بنای تشکیلات قزلباش در آناتولی بنا نهاده شد با اینکه دهقانان و چادر نشینان آناتولی مدت زیادی بود که به اسلام گرایش پیدا کرده بودند ولی در حیات دینی آنها در مناطق مشخص و مهم هنوز پیشرفتی حاصل نگردید بود (مزاوی^۴، ۱۳۶۳: ۱۳۵). پیروان شیخ جنید از آنجا که در سراسر خاک عثمانی مورد تعقیب بودند عقایدشان را مخفی می‌داشتند و همواره در تقیه به سر می‌بردند و تقیه را اصل اساسی اعتقاد خویش قرار دادند. بدینسان تحولی سرنوشت ساز در عقیده مذهبی شیخ جنید تحت تأثیر عقاید افراطی ترک‌های شیعه قرار گرفته و به وقوع پیوست. و پیروان سابق شیخ بدرالدین را که به الحاد متهم بودند گردهم آورد (سومر^۵، ۱۳۷۱: ۱۳-۱۲). در واقع این نقشه مافوق انسانی جنید بود که پیروان را گرد آورد و آنها را برای جنگ آماده کرد. اندیشه غزا با تمایلات غالبانه و شورانگیز قبایل آناتولی و هسته اصلی طریقت صفوی سازگار بود. گروه غزات صوفیه در سازمان طریقت شکل گرفتند و در پی آن مسیحیان طرابوزان و گرجستان قفقاز را به عنوان دارالحرب مورد حمله قرار دادند جنید خود با نیروی متشکل از ده هزار نفر به شیروان روی آورد (خواندمیر، ۱۳۵۳: ج ۴: ۴۲۵). مرحله مهم دیگر در تاریخ طریقت صوفیه اتحاد سیاسی و پیوند زناشویی شیخ جنید با آق‌قویونلوهاست این ازدواج آنان را به شاهزادگان این سرزمین تبدیل کرد این پیوند دومین گام تعیین‌کننده به سوی قدرت سیاسی بود (روملو، ۱۳۴۹: ۴۰۸). از طرفی یکی از مهمترین عواملی که باعث شد تا شیوخ صفوی از سجاده ارشاد و کنج خانقاه بیرون آمده و از نقش اولیه مرشدی طریقت فاصله گرفته و در عرصه سیاسی و اجتماعی وارد شوند اقدامات هواداران پرشور ترکمن بود. اقدامات قبایل ترکمن که زمینه سازی و در حضور شیخ صفوی در صحنه سیاسی تعیین‌کننده بودند در این مرحله نیز که دوره حضور آنان در میادین سیاسی و نظامی بود همچنان ادامه یافت. این آخرین مرحله بود که پیش از تشکیل دولت گروه‌های قزلباش عملاً و با مشی سیاسی و نظامی جهت یاری رساندن به شیوخ صفوی وارد میدان شدند (سومر، ۱۳۷۱: ۳۱).

اتحادیه و طوایف قزلباشان

با وجود اینکه از اوایل دوران شیوخ صفوی قزلباشان دارای طوایفی بودند اما کشته شدن جنید در سواحل رود گر نزدیک به طبرسران به نهضت صوفیه، انگیزه عاطفی بخشید. با مرگ وی نه تنها نهضت صوفیه تجزیه نشد بلکه با جانشینی حیدر به جای او تلاش نظر برای دستیابی به قدرت دنیوی شتاب بیشتری گرفت. شیخ حیدر برای ادامه اتحاد سیاسی و نظامی با آق-قویونلوها و با عالم شاه بیگم دختر اوزون حسن ازدواج کرد. در این زمان شاهد گرایش صوفیانی هستیم که از زمان شیخ

^۲. Hinz

^۴. M. mazzaoui

^۵. Sumer

صدرالدین آغاز شده بود (خنجی، ۱۳۷۹: ۲۹۶). قدرت یابی حیدر موجب فراخواندن وی به دربار سلطان یعقوب شد، گروه مخالف وی در دربار آق‌قویونلوها معتقد بودند. باید با منع حیدر از لشکرکشی و تبعید او از اردبیل از ارتباط او با خلیفه‌ها در آسیای صغیر جلوگیری کرد. اما شیخ حیدر، به دلیل رابطه خویشاوندی که با سلطان داشت سوگند یاد کرد و به اردبیل بازگشت (روملو، ۱۳۴۹: ۶۱۱). شیخ حیدر به سرعت راه پدر را در جمع آوری و تشکیل سپاه دنبال کرد. وی خود به ساختن سلاح پرداخت و سپاهیان خود را به سلاح و ابزار جنگی روز مجهز نمود. شیخ جنید و شیخ حیدر به اتکای فداکاری و اخلاص و جانفشانی قزلباشان به نام غزا و جهاد با کفار به کشورگشایی و سلطنت برخاستند و عنوان سلطان را که نشانه قدرت سیاسی و نظامی بود بر عنوان موروثی روحانی و معنوی شیخ اضافه کردند. اکثر این قزلباشان از طبقات محروم و فقیر آناتولی بودند، و فقط چند نفر از طبقه بیگ در بین آنها دیده می‌شد، به طوری که در حمله شیخ حیدر به اقوام قفقاز بیشتر سپاهیان را افراد فقیر تشکیل می‌دادند که بعضی بی سلاح و بعضی‌ها بی لباس بودند. با وجود این جنگ با موفقیت به پایان رسید، در این زمان صوفیان آسیای صغیر با سپاهیان خود به اردبیل هجوم می‌آوردند (سومر، ۱۳۷۱: ۱۷). به همین دلیل، شیخ حیدر برای به دست آوردن جای پا یا دست کم غنیمتی که به مصرف لشکریانش برسد در صدد حمله به کفار چرکسی و داغستانی برآمد. او برای رسیدن به سرزمین آنها می‌بایست از شیروان عبور می‌کرد، یعنی سرزمینی که پدرش شیخ جنید در آنجا به قتل رسیده بود. شروانشاه در دو لشکرکشی اول حیدر، مانعی در راه عبور آنها از سرزمین‌های خود ایجاد نکرد، اما هنگامی که حیدر شماخی پایتخت شیروان را غارت کرد. فرخ‌یسار از دامادش یعقوب آق‌قویونلوها کمک خواست. او نیز قطع صلح‌رحم جایز ندانست و در صدد کمک به فرخ‌یسار برآمد. در این نبرد سلطان حیدر در قلب سپاه جای گرفت. دست‌راست را به قراپیری استاجلو و دست‌چپ را به حسین بیگ شاملو داد. جنگ سلطان حیدر با فرخ‌یسار در شمال طبرسران نزدیک دربند به کشته شدن شیخ حیدر انجامید (شکری، ۱۳۶۳: ۳۲). فروپاشی سیاسی در ایران، عراق و آناتولی به رشد نهضت صفوی در عهد شیخ حیدر کمک کرد. از جمله، در دوران بایزید دوم نهضت‌های شیعی در آناتولی شکل گرفت و نزاع خانوادگی بر سر قدرت موجب تفرقه درونی در عثمانی شد. در شرق ایران هم نزاع شاهزادگان تیموری به فروپاشی کمک کرد و در غرب ایران نیز نزاع قدرت در خاندان آق‌قویونلوها پدیدار شد. با وجود چنین شرایطی صوفیان به رهبری شیخ حیدر در صدد کسب قدرت بودند. این قدرت فزاینده، رویارویی جدید صوفیان و قتل سلطان علی را در پی داشت. (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۳۸). در شکل‌گیری نهضت صفوی در عهد شیخ حیدر عمده‌ترین طوایفی که نقش اساسی داشتند از هشت قبیله‌ی ترک تشکیل می‌شدند: شاملو، استاجلو، ترکمان، روملو، ذوالقدر، تکللو، قاجار، افشار (نوابی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۰۳).

جدول شماره ۱. بزرگترین طوایف قزلباش به ترتیب درجه اهمیت

ردیف	طوایف	رهبران نامدار
۱	شاملو	حسین بیگ لله، عبدی بیگ، دورمش خان، حسین خان
۲	استاجلو	محمدخان، قراخان، قلیچ خان، چایان سلطان، کپک سلطان، منتشا سلطان، شاهقلی سلطان
۳	ترکمان	امیرخان موصلو، سلیمان خلیفه

۴	روملو	حسینقلی خلفا، دلوبولاق
۵	ذوالقدر	محمدقلی خلیفه، ولی سلطان قلمانچی اوغلی، شاهقلی خلیفه، منصور بیگ
۶	افشار	امیراصلان سلطان ارشلو، محمودسلطان، یوسفقلی سلطان، یعقوب سلطان
۷	قاجار	یوسف خلیفه، شاهوردی سلطان زیاد اوغلی، میرزاعلی سلطان، سلیمان بیگ زیاد اوغلی
۸	تکلو	ولی سلطان، محمدخان شرف الدین اوغلی

باید اضافه کرد: که علاوه بر طوایف هشتگانه به موجب کتاب احسن التواریخ، قبایل دیگری به نام ورساق و صوفیه، قراجه داغ نیز در ادوار بعد به کمک نهضت صفوی آمدند چنان که: «چون خاقان سکندرشان در ارزنجان نزول اجلال فرمودند: از طوایف مریدان صوفیه هفت هزار کس از استاجلو، شاملو، روملو، تکلو، ذوالقدر، افشار، قاجار، ورساق و صوفیه قراجه‌داغ و غیره به درگاه جهان پناه جمع شدند» (روملو، ۱۳۴۹: ۶۱۱).

تاج قزلباش در عهد شیخ حیدر

استفاده قزلباش‌ها از کلاه و لباس سرخ رنگ ریشه‌ای بس عمیق دارد (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۴۵۹). درباب استفاده از تاج نظر دیگری که از سایر نوشته‌ها مقبول‌تر به نظر می‌رسد به صدر اسلام برمی‌گردد. بنا بر، نوشته ابن اثیر نخستین کسی که دستار قرمز بست (ابودجانه) در جنگ احد بود: "ابودجانه مردی دلاور بود. وی را دستاری سرخ بود، که چون آن را می‌بست مردمان می‌دانستند که مردانه خواهد جنگید" (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۳: ۹۸۷). نکته جالب توجه این است که هر چند تاج قزلباش از ابداعات شیخ حیدر بود در منابع صفوی سعی کردند اثبات کنند که اندیشه استفاده از تاج در طریقت صفوی ریشه‌ای طولانی دارد و اولین بار شیخ صفی در خواب تاج بر سر گذاشت (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۱۲). با ایجاد لباس متحدالشکل (فرقه درویش به اضافه کلاه ترک سرخ رنگ) برقراری اصول تشکیلاتی و سازمانی طریقت وارد مرحله نوینی شد. رواج کلاه باعث همبستگی درونی جنگجویان صفوی شد. و تنها هواداران راسخ کلاه خاصی را بر سر می‌گذاشتند. این ساختار همبستگی و تشکیلات معنوی حرکت صفویه را به سوی اهداف سیاسی تسهیل میکرد. استفاده از کلاه زمانی فراهم شد که اتحاد سیاسی با آق‌قویونلوها با روی کار آمدن سلطان یعقوب از میان رفت و نیاز به انسجام درونی و تکیه بر منابع قدرت درونی پدیدار گردید (روملو، ۱۳۴۹: ۶۱۱). با وجود این با به کار بردن کلاه دوازده ترک گام دیگری در راندن طریقت به سوی اندیشه‌های غالبانه و شیعیانه برداشته شد. که در زمان شیخ حیدر در اثر تبلیغات مدام و پیگیر بر تعداد مریدان در آئاتولی افزوده شد. در شهر اردبیل محله - ای به نام آئاتولی‌ها به وجود آمده، در حقیقت عامل گسترش بیش از حد طریقت صفوی در آئاتولی بی‌وجهی و سستی‌بازید پادشاه عثمانی در اداره مملکت خویش بود. در زمان او گذشته از رونق و گسترش تشیع در آئاتولی هجوم به اهل تسنن نیز آغاز گردید. ازدیاد روزافزون مریدان شیخ حیدر را به پیش می‌راند در حقیقت جلوگیری از این حرکت حتی به خواسته او نیز ممکن نبود زیرا به طور معمول صوفیان آئاتولی با اعتقادات عمیق به خود و با وابستگی به شیوخ صفوی انتظار انجام کارهای

بزرگتری را از آنها داشتند (خنجی، ۱۳۷۹: ۲۹۶). از جانب دیگر ترکان آناتولی به عنوان هسته اصلی تشکیل دهنده طریقت صفویه کاملاً تحت تاثیر مسلک غالبانه بودند و میراث فکری خود را به طریقت اردبیل انتقال دادند. نکته قابل توجه اینکه در قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی استعمال کلاه سرخ در میان ترکان چادرنشینان آناتولی به طور قطعی روشن است بدین سبب می‌توان حدس زد که استعمال کلاه سرخ یا تاج به وسیله مریدان و نظامیان دولت صفوی با الهام از این رسوم باشد (سومر، ۱۳۷۱: ۷-۱). با رواج این تاج، پیروان طریقت صفوی مانند یک حزب و گروه سیاسی از دیگران متمایز شده و انگیزه‌های سیاسی طریقت برجسته‌تر گردید و در ادامه منجر به شکل‌گیری حکومت صفوی شد.

نتیجه‌گیری

پایه‌های حکومت صفوی با وجود فعالیت سیاسی مذهبی مشایخ صوفی شکل‌گرفت. از میان شیوخ صفوی نقش اقدامات شیخ‌حیدر و شیخ‌جنید در راستای گردآوری نیروهای نظامی قابل تعمق و بررسی است. با وجود حرکت‌های سیاسی در این دوره توسط افرادی با نفوذ و شرایط بحرانی در داخل و خارج از مرزها، زمینه برای اندیشه‌های نو و ایجاد حکومت جدید فراهم شد. با ضعف حکومت‌های آق‌قویونلوها و قراقویونلوها در مرزهای غربی و نارضایتی ترکان آناتولی در آسیای صغیر زمینه‌های پایگذاری نهضت صفوی فراهم شد. شیوخ صوفی با در نظر گرفتن چنین شرایطی فرصت را مغتنم شمرده و دعوت از قبایل ترک را با توجه به اندیشه‌های شیعی آغاز کردند که در نهایت هسته‌های اصلی طرفداران این نهضت با اقدامات شیخ‌حیدر با عنوان قزلباش شکل گرفت. شیخ‌حیدر در ساخت تاج دوازده ترک برای برای نهضت و قزلباشان نقش موثری داشت. چنانکه، با یک حرکت سیاسی معین و مشخص از سایرین خدماتی که توسط گروه‌های قزلباش از ابتدا نسبت به تشکیلات صفویه صورت گرفت در زنده نگه داشتن و تقویت طریقت، تحکیم نهضت و تبدیل آن به دولت سهم اساسی داشت. قزلباشان در مراحل مختلف پیش از تشکیل دولت صفوی انواع همکاری و همراهی را نشان دادند. به ویژه در دوره سرنوشت ساز بعد از شیخ‌جنید، در دوران شیخ‌حیدر نقش آنان بسیار برجسته بود. هواداری و حمایت آنان از دو مشخصه اصلی برخوردار بود. اول، حمایت‌های مادی، پشتوانه معنوی، حضور فیزیکی و نظامی در عرصه‌های عملی سیاسی و نظامی از مواردی بودند که نقش آنان را در همه مسائل مورد نیاز نهضت برجسته نشان می‌دهد. مشخصه دوم این بود که قزلباشان هواداری و حمایت دائمی و پایداری نسبت به تشکیلات صفوی در پیش گرفتند. در واقع آنان حضور با ثباتی نه مقطعی و موقتی در حرکت نهضت داشتند. این دو مشخصه باعث شد حرکت در قالب یک فرآیند منظم مرحله به مرحله پیش رود و تشکیلات صفوی در قالب یک فرآیند از طریقت تبدیل به «نهضت» شده و نهضت نیز در نهایت به تشکیل دولت و استقرار نهایی صفویان منتهی گردد. در نهایت با همکاری و فداکاری طوایفی همچون قزلباش و تدابیر افرادی برجسته بود که حکومت مقتدر شیعی مذهب تاسیس شد.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌اثیر، عزالدین (۱۳۷۱). تاریخ‌الکامل، ج ۳، ترجمه سیدمحمدحسین روحانی، تهران: اساطیر.
۲. ابازرپور، ثریا (۱۳۹۶). زندگی سیاسی قزلباش‌ها، مجله رشدآموزش تاریخ، دوره نوزدهم، شماره ۲.
۳. اولئاریوس، آدام (۱۳۷۹). سفرنامه آدام اولئاریوس، ج ۲، تهران: هیرمند.
۴. امینی هروی، امیرصدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳). فتوحات شاهی، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۵. پورقیومی، الهام؛ محمودی، حدیث؛ رئیس‌السادات، حسین (۱۳۹۳). قزلباشان و نقش آنها در تشکیل دولت صفوی، فصلنامه تاریخ پژوهی: شماره ۶۰.
۶. پیرزاده زاهدی، شیخ ابدال (۱۳۴۴). سلسه‌النسب صفویه، تهران: چاپخانه ایرانشهر
۷. ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۵۰). تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
۸. خواندمیر، امیرمحمود (۱۳۷۰). تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، تصحیح محمدعلی جراحی، تهران: گستره.
۹. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام (۱۳۵۳). حبیب‌السیر، ج ۴، چ ۲، تهران: خیام.
۱۰. خنجی، امیرحسین (۱۳۷۹)، نقش قزلباشان صفوی در تاریخ ایران زمین، تهران، بی‌تا.
۱۱. دیلمی، محمد بن الحسن (۱۹۳۸). قواعد عقاید آل محمد، استانبول: راستورث مان.
۱۲. روملو، حسن (۱۳۴۹). احسن‌التواریخ، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۱۳. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر.
۱۴. سومر، فاروق (۱۳۷۱). نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، ترجمه احسان اشراقی؛ محمدتقی امامی، تهران: گستره.
۱۵. سیوری، راجر (۱۳۷۸). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
۱۶. شاملو، ولی‌قلی بن داودقلی (۱۳۷۱). قصص الخاقانی، تصحیح سیدحسن‌السادات ناصر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. شگری، یدالله (۱۳۶۳). عالم آرای صفوی، تهران: اطلاعات.
۱۸. صفت‌گل، منصور (۱۳۸۸). فراز و فرود صفویان، تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۹. فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمدتدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۰. کامل‌الشیبی، مصطفی (۱۳۷۴). تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا کاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
۲۱. مزای، میشل (۱۳۶۶). پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
۲۲. نوایی، عبدالحسین؛ غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۶). تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: سمت.
۲۳. هینتس، والتر (۱۳۶۲). تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.